Functions of the Conflicts Between Video-on-Demand Platforms and the Satra Regulator in Iran

Mohammad Hossein Moradi[1], **Naser Jamalzadeh**[2], **Mostafa Ghaffari Saravi**[3]

Received: 14 May 2025, Accepted: 20 August 2025
Doi: 10.22034/RCC.2025.2060577.1216

Abstract
Over the past decade, Iran's video-on-demand (VOD) platforms have experienced remarkable growth, to the extent that they now constitute a significant portion of Iranian households' content consumption. Concurrently, the state has faced significant challenges in regulating and supervising these platforms, resulting in ongoing conflicts. This study aims to investigate the functional implications of conflicts between VOD platforms and regulatory institutions in Iran. Employing a descriptive-analytical method and drawing on Lewis Coser's conflict theory, this research examines the confrontational dynamics between the two parties to assess key conflict-driven actions and their functional effects. The findings indicate that these confrontations have contributed to the institutionalization of legal frameworks for the regulatory body. By distinguishing between "pure" and "impure" conflicts, the study reveals that the state has grounded its policymaking in "pure" conflicts—such as regulatory disputes—while avoiding politically and socially charged claims, such as allegations of "cultural coups" or interference in cultural transformations. Additionally, the study highlights a shared foundation between the opposing parties in media governance, emphasizing the reproduction of identity, culture, and indigenous values. Meanwhile, surface-level conflicts have heightened awareness of underlying norms and encouraged participation in social life. Ultimately, this research concludes that these confrontations have yielded beneficial functions, contributing to the maturation of the regulatory institution and the continued growth of VOD platforms.

Keywords: Video on demand platforms, Satra Regulator, Media regulation, Social conflicts, Lewis A. Coser

1. PhD Candidate, Department of Political Sociology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: mh.moradi@isu.ac.ir 0009-0008-4864-9139
2. Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: jamalzadeh@isu.ac.ir
3. Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: mo.ghafari@isu.ac.ir

کارکردهای تقابل سکوهای ویدئو درخواستی و تنظیم‌گر ساترا در ایران

محمدحسین مرادی[۱]، **ناصر جمالزاده**[۲]، **مصطفی غفاری ساروی**[۳]

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴، پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹
DOI: 10.22034/RCC.2025.2060577.1216

چکیده

با رشد سکوهای ویدئوی درخواستی در ایران، حاکمیت اقدام به تنظیم‌گری سکوها کرد که به شکل‌گیری پاره‌ای از تقابل‌ها انجامید. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق اسنادی و رویکرد تحلیلی و با اتکا به چهارچوب نظریه تقابل لوئیس آلفرد کوزر کوشیده است تا مهم‌ترین اقدامات تقابلی سکوها و نهاد تنظیم‌گر در ایران و آثار کارکردی آن را ارزیابی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد وجود تقابل به سامان‌بخشی بنیادهای قانونی نهاد تنظیم‌گر انجامیده است. حاکمیت، مبنای سیاست‌گذاری خود را تقابل‌های خالص نظیر مسئله تنظیم‌گری قرار داده و از پرداختن به ادعاهایی نظیر مداخلات تغییرات فرهنگی اجتناب کرده است. به علاوه بر اشتراک طرفین تقابل در لایهٔ بنیادین حکمرانی رسانه‌ای و اشاره شده و تقابل در لایه‌هایی رویی عامل افزایش آگاهی نسبت به هنجارهای زیربنایی ارزیابی شده است. در نتیجه این پژوهش تقابل را واجد کارکردهای سودمندی دانسته که به تکوین نهاد تنظیم‌گر و رشد فعالیت سکوها منجر شده است.

کلیدواژه‌ها: سکوهای ویدئو درخواستی، تنظیم‌گر ساترا، تنظیم‌گری رسانه، تقابل‌های اجتماعی، لوئیس کوزر

۱. دانشجوی دکتری، رشتهٔ جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول).
0009-0008-4864-9139 Email: mh.moradi@isu.ac.ir
۲. دانشیار، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.
Email: jamalzadeh@isu.ac.ir
۳. استادیار، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.
Email: mo.ghafari@isu.ac.ir

بیان مسئله

پس از تأسیس مؤسسه رسانه‌های تصویری در ایران، و متعاقباً فعالیت مؤسسات خصوصی با عرضه لوح فشرده، نمایش خانگی در ایران آغاز شد، اما نقطه عطف آن با یک تحول فناورانه همراه بود. سکوهای ویدئو درخواستی با استفاده از بستر اینترنت و رشد تدریجی تلویزیون‌های هوشمند، جای خود را در سبد محتوای ایرانیان باز کردند. «سکوها نوع جدیدی از شرکت‌ها هستند که با فراهم کردن زیرساخت برای ایجاد واسطه بین گروه‌های مختلف کاربران و با در اختیار داشتن معماری مرکزی طراحی‌شده‌ای که بر امکان تعاملات حاکم است، توصیف می‌شوند» (سرنیچک، ۱۳۹۹: ۱۶). دانشنامه بریتانیکا نیز سکوهای ویدئوی درخواستی را این گونه توصیف می‌کند: «فناوری پخش بلادرنگ[1] محتوای ویدئویی نظیر فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی به مصرف‌کننده نهایی» (Britannica, 2024).

به موازات رشد کمی و کیفی سکوهای ویدئوی درخواستی، حاکمیت مسیر پر فراز و نشیبی را در تنظیم‌گری و نظارت بر صوت و تصویر فراگیر دنبال کرد که واکنش‌های متنوعی اعم از ممنوعیت و برخورد تا همراهی به منظور توسعه بازار را در بر می‌گرفت. در این مسیر تقابل‌هایی میان سکوها و نهاد تنظیم‌گر شکل گرفت که شامل تعارض منافع تنظیم‌گر، رقابت تنظیم‌گر با سکو، ممیزی سخت‌گیرانه محتوا، بهره بردن سکوها از شکاف‌های حکمرانی یا «انتخاب گزینشی تنظیم‌گر»[2] و نوع نگاه به تنظیم‌گری می‌باشد.

اهداف پژوهش

تحقق خیر عمومی[3] در حکمرانی رسانه‌ای با نظارت صحیح بر محتوا و توسعه آثار نمایشی بومی به صورت توأمان حاصل می‌شود. اگرچه بدوا به نظر می‌رسد که تشدید نظارت‌ها با محدودیت و ممنوعیت محتوا همراه است، اما تنظیم‌گری در معنای صحیح خود فراتر از ممیزی محتوایی بوده و اهداف تسهیل‌گرانه و سیاست‌های توسعه‌دهنده بازار را در بر می‌گیرد. این پژوهش در صدد آن است تا نشان دهد تقابل سکوها و تنظیم‌گر ساترا در ایران واجد آثار کارکردی است که نهایتاً به بهبود تنظیم‌گری انجامیده است.

پرسش‌های پژوهش

ـ چه تقابل‌هایی میان سکوهای ویدئو درخواستی و نهاد تنظیم‌گر ساترا در گرفته است؟

ـ آثار کارکردی تقابل‌های میان سکوها و نهادهای تنظیم‌گر بر اساس نظریه تقابل اجتماعی کوزر چیست؟

پیشینه پژوهش

با توجه به عنوان پژوهش، پیشینه را در دو قسمت پژوهش‌های مرتبط با کاربست نظریه تقابل اجتماعی کوزر و پژوهش‌های مرتبط با تنظیم‌گری سکوهای ویدئو درخواستی بررسی می‌کنیم.

در پژوهش‌های مرتبط با کاربست نظریهٔ تقابل اجتماعی لوئیس کوزر سه مقاله یافت شد که این نظریه را بر متون ادبی و تاریخی تطبیق داده‌اند. اولین مقاله به ارزیابی نامه‌های امام علی (ع) و معاویه پرداخته است که در سطح فردی به تقابلات نقشی یا رفتاری پرداخته است (صیادانی، ۱۴۰۱). مقاله دیگری نظریه را بر برخی اشعار حافظ تطبیق داده است (خیالی، ۱۳۹۸). مقاله سوم به تأثیرات تقابل میان فلسطین و سردمداران عرب و فلسطین با رژیم صهیونیستی در قصیده شاعر اردنی پرداخته است (الیاسی، ۱۴۰۱). نظریه کوزر یک نظریهٔ اجتماعی به منظور تحلیل کنش متقابل گروه‌های اجتماعی است و کاربست آن در تحلیل متون محل تأمل است.

در زمینه پژوهش‌های مرتبط با سکوهای ویدئو درخواستی، مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی به بررسی چارچوب، اهداف و رویکردهای تنظیم‌گری پرداخته است (محسنیان، ۱۴۰۲). امامیان، دومین رئیس ساترا مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها و یادداشت‌های خود را در حوزه حکمرانی تنظیم‌گرانه نظیر تولید محتوای بومی، نقش رقابت‌های انتخاباتی بر حکمرانی‌زدایی دیجیتال و تداخل وظایف رگولاتور و دستگاه قضایی را در اثری با عنوان «تنظیمانه» گرد آورده است (امامیان، ۱۴۰۱). یک مقاله به مرور الگوهای گوناگون نهاد تنظیم‌گر، پرداخته و الگوی نهاد تنظیم‌گر همگرا و مستقل از بازیگران موجود، با جداسازی خط‌مشی‌گذاری و مقررات‌گذاری از یکدیگر را، مسیری مناسب و پایدار برای ایران می‌داند (اسماعیلیان، ۱۳۹۷). مقاله دیگری به بررسی چالش‌های سیاست‌گذاری نهاد تنظیم‌گر از منظر مجوزدهی پرداخته و خلأ قانونی ساترا در اثبات جایگاه خود، فقدان قوانین حمایت‌کننده برای پیگیری در مراجع قضایی و اختلاف نظر سکو و تنظیم‌گر در تولید آثار را به عنوان مهم‌ترین چالش‌های حوزه مجوزدهی برشمرده است (رزمجو، ۱۴۰۲).

کتاب «جعبه جادویی بخش خصوصی» در چهارچوب

DOI: 10.22034/RCC.2025.2060577.1216

نظریۀ صنعت فرهنگ مکتب فرانکفورت، به نقد رتوریک جاری مزایای بازاری‌سازی و کالا انگاری محصولات فرهنگی پرداخته است. مؤلف با تحلیل مضمون دو سریال پرمخاطب نمایش خانگی در دهه نود، نشان می‌دهد که محتوای این سریال‌ها با ادعاهای رتوریک بازار نظیر شنیده شدن صداهای نو و متفاوت، کاهش ممیزی و مداخلات بیرونی در تناقض بوده و آثار تولید شده درگیر الگوهای تکراری ملودرام و ممیزی بازار است (بهرامی، ۱۴۰۰).

چهارچوب نظری: نظریۀ تقابل لوئیس کوزر به مثابه چهارچوب تحلیلی

«تقابل یکی از جنبه‌های اصلی حیات سیاسی، اجتماعی است. برخی سیاست را اساساً گذار از تقابل به توافق و تفاهم و اجماع تعبیر کرده‌اند. نظریه‌پردازان اجتماعی علت تقابل را در عواملی چون غریزه پرخاشگری انسان، نهاد مالکیت خصوصی، کمیابی منابع، سلطه‌جویی ذاتی و احساس ناامنی می‌دانند.» (بشیریه، ۱۳۸۶: ۳۹) کلاگت اسمیت تقابل‌های درون گروهی را به «مشکلات ارتباطی بین طرف‌های درگیر، تفاوت در منافع و اهداف اساسی، و فقدان ادراکات و نگرش‌های مشترک بین اعضا» می‌داند (Smith: 505).

موضوع تقابل در نظریۀ تضاد طبقاتی مارکس برجسته شد. به اعتقاد او طبقه زمانی وجود دارد که مردم از رابطه تقابلی‌شان با دیگر طبقات آگاه باشند و طبقۀ بدون این آگاهی را «طبقۀ در خود» و طبقۀ آگاه را «طبقۀ برای خود» و طبقۀ حقیقی نامید (Ritzer, 2011). پس از مارکس، نظریات تقابل متأثر از آثار مارکس و زیمل مطرح شدند. «نظریه‌پردازان تقابل بر سلطه بعضی از گروه‌های اجتماعی بر گروه‌های دیگر تأکید دارند و نظم اجتماعی را محصول اقدام تعمدی و کنترل حاکم می‌دانند» (Ritzer, 2011).

دارندورف معتقد است نظریه‌پردازان تقابل باید به مطالعه منافع گروه‌ها و چگونگی اعمال اقتداری بپردازند که از یکپارچگی جامعه در برابر اختلافات حفاظت می‌کند. او عامل تعیین‌کننده تقابل اجتماعی را «توزیع متفاوت اقتدار» می‌داند. جایگاه‌های اجتماعی از سطوح اقتدار متفاوتی برخوردارند و تقابل ساختاری این جایگاه‌ها به ترتیباتی بازمی‌گردد که انتظار سلطه‌گری و یا تبعیت را از یک جایگاه اجتماعی مشخص ایجاد می‌کند و برای تحلیل تقابل باید به شناخت صحیحی از نقش‌های اقتدار در جامعه دست یافت.

او دیدگاه لوئیس کوزر که به نقش کارکردی تقابل در حفظ وضع موجود اشاره دارد را تأیید می‌کند و کارکرد محافظه‌کارانه تقابل را تنها گوشه‌ای از واقعیت اجتماعی می‌داند و معتقد است که تقابل به تغییر مثبت و توسعه نیز ختم خواهد شد (Ritzer, 2011).

لوئیس آلفرد کوزر در اثر خود با عنوان «نظریۀ تقابل‌های اجتماعی» دیدگاه‌های جورج زیمل جامعه‌شناس آلمانی در حوزه تقابل را بسط و توسعه داده است او تقابل اجتماعی را عهده‌دار کارکردهای مشخصی در گروه‌های اجتماعی و روابط میان گروهی و یکی از اشکال جامعه‌پذیری می‌داند. کوزر معتقد است هیچ گروهی نظم و انسجام درونی کاملی ندارد چراکه در این صورت تکامل پیدا نخواهد کرد و بر اثر مشکلات ساختاری دچار فروپاشی می‌شود. گروه‌های اجتماعی باید هم خواهان هماهنگی و اتحاد و هم ناهماهنگی و درگیری باشند و اینگونه است که تقابل گروه‌های اجتماعی صرفاً کارکرد مخرب نخواهند داشت. عناصر منفی و مثبت توأمان سازندۀ روابط گروهی هستند و میزانی از تقابل سازندۀ گروه و جزئی از حیات گروهی است (کوزر، ۱۳۸۴). کوزر شانزده نظریه را در موضوع تقابل مطرح می‌کند که از میان آنها موضوع پژوهش در چهار نظریه (جدول ۱) مورد واکاوی قرار گرفته است.

جدول ۱. نظریات تقابل اجتماعی کوزر (نظریه تقابل‌های اجتماعی) (کوزر، ۱۳۸۴).

شماره نظریه	نام نظریه
۱	کارکرد استحکام‌بخشی گروهی تقابل
۳	تقابل خالص و ناخالص
۷	تأثیر و کارکرد تقابل در ساختار گروهی
۱۵	تقابل سازنده و نگهدارنده تعادل قوا

«جامعه‌شناسی تقابل گروه‌های اجتماعی با نیروهای سازمان‌یافته مشخصی سر و کار دارد که دارای وجوه همسانی از نظر علایق اقتصادی، ارزشی، فرهنگی و صنفی هستند» (بشیریه، ۱۳۹۶: ۱۰۷). سکوهای ویدئوی درخواستی مؤلفه‌های لازم برای شناسایی به عنوان یک نیروی سازمان‌یافته را دارند. آنها بنگاه‌های اقتصادی هستند که به منظور کسب منفعت، نیازمند تنظیم روابط خود با تنظیم‌گر

(حاکمیت) به نحوی هستند که منافع اقتصادی‌شان توسط قدرت سیاسی محدود نشود. چیرگی سکوها بر ذائقه‌سازی و جریان‌سازی فرهنگی نیز آنها را به یک گروه مرجع بدل ساخته است.

روش پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از نظریۀ تقابل لوئیس کوزر و با روش تحقیق اسنادی و رویکرد تحلیلی توصیفی صورت گرفته است. این روش به منظور شرح وقایع و توصیف تقابل‌های موجود و تحلیل علی آنها انتخاب شده است. به منظور درک تقابل‌های میان سکوهای صوت و تصویر فراگیر و نهاد تنظیم‌گر، به یادداشت‌ها و مصاحبه‌های مدیران ساترا، صاحبان سکوها، منتقدین و تحلیلگران حوزه فرهنگ و فعالان این حوزه نظیر واحدهای صنفی صوت و تصویر فراگیر رجوع شده است. محور اصلی این یادداشت‌ها و مصاحبه‌ها بیانگر شیوه فعالیت سکو و نهاد تنظیم‌گر، مسائل و چالش‌های پیش روی آنها و اختلافات و تعاملات در مواجهه با دیگری است.

یافته‌ها

۱. کارکرد استحکام‌بخشی گروهی تقابل

به اعتقاد کوزر «دشمنی‌ها حد و مرزهای درون گروهی را تعیین می‌کند و برای طبقات و شخصیت‌ها موقعیت‌های متفاوتی را به وجود می‌آورد که بدون آنها، تشخص و تعیین‌یابی اجتماعی ناممکن بود.» (کوزر، ۱۳۸۴: ۶۵) در موضوع پژوهش چنانچه مجموعه حاکمیت را در یک سو و سکوها را در سوی دیگر تصور کنیم، نهاد تنظیم‌گر متأثر از رابطه تقابلی به بازتعریف نقش و جایگاه خود در حاکمیت پرداخت به گونه‌ای که بدون رفتار تقابلی سکوها، جایابی و استقرار تنظیم‌گر به عنوان بخش مستقلی از دستگاه اداری بعید به نظر می‌رسید.

در آغاز مسیر تنظیم‌گری محتوا در ایران، چند نهاد در کشاکش بودند تا حاکمیت صوت و تصویر فراگیر را به خود اختصاص دهند. وزارت ارشاد و سازمان صدا و سیما از مهم‌ترین مدعیان تنظیم‌گری این حوزه بودند. وزارت ارشاد به عنوان تنظیم‌گر سنتی حوزه سینما و نمایش خانگی در قالب لوح فشرده و سازمان صدا و سیما به عنوان رسانه ملی هر یک خود را واجد صلاحیت‌هایی برای تنظیم‌گری این حوزه می‌دانستند. ارشاد معتقد بود که در سه عرصه صدور مجوز برای مؤسسات تولید محتوا، صدور مجوز تولید اثر و صدور مجوز پخش اثر، کار تنظیم‌گری را انجام می‌دهد. اما صدا و سیما با استناد به نظریۀ تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصول ۱۷۵ و ۴۴ قانون اساسی در پاسخ به استفساریه رئیس وقت صدا و سیما، مرقومه رهبری خطاب به رئیس جمهور در تاریخ شهریور ۱۳۹۴ و همچنین بخشنامه رئیس قوه قضائیه[۴] مسئولیت صدور مجوز، نظارت و تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر را متوجه خود می‌دانست.

صدا و سیما تلقی عامی از مفهوم صوت و تصویر فراگیر داشت که غالب محتواهای فضای مجازی را در بر می‌گرفت. اختلاف بر سر تعریف صوت و تصویر فراگیر به اختلاف بر سر این که چه کسی نهاد تنظیم‌گر این حوزه است، انجامید (محسنیان، ۱۴۰۰). تعریف صدا و سیما از صوت و تصویر فراگیر، هر چیزی در فضای مجازی غیر متن را شامل می‌شد و جدا شدن این حیطه از وزارت ارشاد، عملاً این وزارتخانه را متولی فرهنگ و هنر سنتی و تبدیل به یک موزه می‌کرد (هاشمی، ۱۴۰۳).

اختلاف حاکمیتی در تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر، باعث شد سکوها خلأ قانونی را در برابر خود احساس کرده و با استفاده از شکاف نهادی، در جهت تضعیف نهاد تنظیم‌گر کنشگری کنند. رئیس شورای انتشار حرفه‌ای ساترا، بسیاری از تخلفات سکوها را ناشی از همین اختلاف ارشاد و ساترا دانسته و این وضعیت را به دادگاهی تشبیه کرده است که در میانه حکم دادن، قانونی بودن آن زیر سؤال می‌رود (پورمحمدی، ۱۴۰۳).

نقطه اوج اقدامات تقابلی سکوها را می‌توان در پخش بدون مجوز سریال «سقوط» سکوی فیلیمو دانست، جایی که مشاور وزیر ارشاد، بی‌اعتنایی و دهن‌کجی فیلیمو به قواعد ساترا را جابه‌جایی مرزهای بی‌قانونی عنوان کرد و معتقد بود که سکوهای دیگر از این رفتار الگو گرفته و از پذیرش رویه‌های قانونی استنکاف می‌کنند. رویۀ تولید و انتشار بدون مجوز آثار در سریال غربت نماوا و سریال تاسیان فیلیمو نیز ادامه یافت. با بی‌پاسخ ماندن نامه رئیس صدا و سیما به شورای عالی فضای مجازی، رئیس دانشگاه صدا و سیما به استاندارد دوگانه حاکمیت در فضای مجازی اعتراض کرد و نتیجه حکومت ملوک‌الطوایفی در عرصه فرهنگ را فروپاشی دانست (قاسمی، ۱۴۰۲). سکوها با علم به این که مخالفت‌های ساترا ضریب نفوذی در حاکمیت نداشت، اقدام به تولید بدون مجوز سریال می‌کردند و نگرانی از این بابت نداشتند که سرمایه‌گذاری‌شان بر اثر مخالفت تنظیم‌گر

از بین برود (خیامی، ۱۴۰۲).

به علاوه سکوها به دفعات صدا و سیما را به رقابت با خود متهم کرده و ادعا می‌کردند که تعارض منافع صدا و سیما و سکوها، تنظیم‌گر ساترا را به سلاحی برای محدود کردن سکوها بدل کرده است. این اظهارات مستظهر به شکاف به وجود آمده در حاکمیت بود. مدیر فیلم‌نت معتقد بود که اگر تنظیم‌گری از صدا و سیما به ارشاد منتقل می‌شد، مشکلات سکوها کمتر می‌بود، چراکه در این صورت ناظر سکو، رقیب او نیست (سرتیپی، ۱۴۰۲). جنبهٔ دیگری از اقدامات تقابلی سکوها زیر سؤال بردن مشروعیت قانونی صدا و سیما در تنظیم‌گری نمایش خانگی بود. مدیران و بازوهای رسانه‌ای سکوها در اظهارات متعددی به فقدان مبنای قانونی ساترا اشاره کرده و به این ترتیب ساترا را فاقد مشروعیت در اعمال تنظیم‌گری می‌دانستند.

در نتیجه اقدامات تقابلی سکوها خصوصاً بهره بردن از شکاف حکمرانی، حاکمیت به سمت وحدت رویه حرکت کرده تا با تثبیت قانونی و تعریف وظایف نهاد تنظیم‌گر، به ماهیت و اقدامات آن رسمیت ببخشد. در سال ۱۴۰۱ تفاهم‌نامه‌ای میان اعضای ارشد ارشاد و صدا و سیما به امضا رسید که حدود اختیارات و مسئولیت‌های همدیگر را مشخص ساخته بود و مفاد این تفاهم‌نامه در ماده واحده «تعیین الزامات ساماندهی حوزه صوت و تصویر فراگیر» مصوب جلسه ۸۳۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی بازتاب یافت و شکلی قانونی به خود گرفت. در این مصوبه تقسیم کار مشخصی میان طرفین صورت گرفت و مسئولیت صدور مجوز، تنظیم‌گری و نظارت بر سکوها به صدا و سیما واگذار شد. تقسیم کار این مصوبه در بند الف ماده ۷۶ برنامه هفتم توسعه نیز بارتاب یافت و به این ترتیب تأیید مجلس را گرفت. «پیش از این نیز حاکمیت با اقداماتی نظیر ورود دادستانی برای دریافت مجوز سکوها از ساترا در سال ۱۳۹۸ و اشاره به انحصار تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر برای صدا و سیما و تأکید بر دریافت پروانه تولید از ساترا در قانون بودجه ۱۴۰۰ گام‌هایی برای تأمین حمایت‌های قانونی از جایگاه تنظیم‌گر برداشته بود.» (زرودی، ۱۴۰۲) چنان‌که کوزر در نظریه خود اشاره کرده است، تقابل سکوها به تکوین نهادی تنظیم‌گر و شناسایی آن به عنوان بخش مستقلی از نظام اداری منجر شد.

حرکت حاکمیت برای ایجاد بنیان قانونی و تجمیع اختیارات در یک نهاد واحد، زمینه پذیرش تنظیم‌گر توسط سایر دستگاه‌های نظام اداری را نیز فراهم کرد. معاون ساترا معتقد بود «پس از مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ساترا به‌تدریج توانست ارتباطات گسترده‌ای با سازمان امور مالیاتی و وزارت ارشاد شکل داده و به همگرایی برسد.» (خلعتبری، ۱۴۰۲) بنابر نظریهٔ کوزر تقابل سکوها با نهاد تنظیم‌گر را می‌توان عامل مهمی در پاسخ فعالانهٔ نهاد تنظیم‌گر به چیستی خود و چگونگی و چرایی تنظیم‌گری دانست.

کوزر در نظریهٔ «تقابل سازنده و نگهدارنده تعادل قوا» می‌گوید تنها تقابل آشکار، امکان تخمین و برآورد توان طرفین را میسر می‌سازد و قدرت زمانی قابلیت اندازه‌گیری دارد که مورد استفاده قرار گرفته و کاربرد داشته باشد و به این ترتیب تعادل در یک رابطه تقابلی زمانی به دست می‌آید که هر دو طرف توان خود در مبارزه را به کار گرفته باشند و ارزیابی صحیحی از توانمندی خود و طرف مقابل پیدا کنند. در موضوع پژوهش اقدامات سکوها در تولید و انتشار بدون مجوز آثار از یک سو و مواجهه‌های تنظیم‌گر که در قالب تقویت مبانی قانونی و برخوردهای اجرایی نمود یافت، را می‌توان نوعی وزن‌کشی و زورآزمایی طرفین دانست که نهایتاً به تعادل و تعامل انجامید.

۲. تقابل خالص و ناخالص

کوزر تفاوت تقابل خالص و ناخالص را در این می‌داند که تقابل به عنوان یک هدف دنبال شود یا به عنوان یک وسیله. تقابل‌های خالص از طریق خواسته‌های انسانی نظیر توزیع منزلت، قدرت و درآمد زمانی به وجود می‌آیند که گروه‌ها در تعقیب و دستیابی به آرزوها و خواسته‌های خود یا سودهای محتمل شکست بخورند. اما تقابل‌های ناخالص از افسردگی ناشی از فرایند جامعه‌پذیری به وجود می‌آیند. تقابل ناخالص ممکن است از راه دگرگونی تقابلی اساسی که بیان آن ممنوع و یا صراحت بیان در آن ممکن نیست، نیز شکل بگیرد (کوزر، ۱۳۸۴). کوزر معتقد است برای تحلیل صحیح وقایع باید به توصیف موشکافانه تقابل‌های خالص پرداخت و تقابل‌های ناخالص را در تحلیل دخیل نکرد.

در موضوع پژوهش، یک تقابل خالص به اصل مسئله تنظیم‌گری بازمی‌گردد. سکوها هرگونه مداخله حاکمیتی برای ممیزی محتوا، صدور مجوز، وضع مقررات و اقدامات محدودکننده را مانع از فعالیت اقتصادی خود می‌دانند و به دنبال حداقل‌سازی تنظیم‌گری و در صورت امکان حذف این مداخلات هستند. یکی از ایده‌هایی که برای به حاشیه بردن تنظیم‌گر طرح شده است، ایدهٔ «خودتنظیم‌گری»[5] و

«هم‌تنظیم‌گری»[۶] صنعت است. خودتنظیم‌گری تفویض وظایف سیاست‌گذاری عمومی به فعالان بخش خصوصی در قالب نهادی در جهت اهداف اصلی تنظیم بازار یا صنعت توسط شرکت‌کنندگان داخل آن است. در ایده خودتنظیم‌گری با ارجاع به تجربه جهانی، مسئولیت تنظیم‌گری به بخش خصوصی و یا نهادی صنفی واگذار می‌شود و حاکمیت مداخله کمتری در قاعده‌گذاری این حوزه خواهد داشت.

دبیر انجمن صنفی سکوها با تأیید رویکرد خودتنظیم‌گری، از رویکردهای سنتی و ساده‌سازی‌شده صدا و سیما و ارشاد انتقاد کرده و تنظیم‌گری صحیح را در صلاحیت نهادهای صنفی می‌داند. او مسئولیت محتوا و قانون‌گذاری را بر عهده کسی می‌داند که منتشرکننده است (عسگرپور، ۱۴۰۳).

ایده خود تنظیم‌گری مورد انتقاد مدیران ساترا قرار گرفته است. امامیان معتقد است علی‌رغم فوایدی که مسئولیت‌پذیری پلتفرم‌ها به همراه داشته است، تبعات این رویکرد هراس‌آور است، چون که سکوها به حاکمیت‌های سیاسی پاسخگو نیستند و زنجیره‌ای از سوء استفاده‌های آشکار در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، ایدئولوژیک و اقتصادی از موقعیت انحصاری ایجاد می‌شود (امامیان، ۱۴۰۱). یکی از مدیران ساترا نیز با مقایسه مستندی در مورد خودتنظیم‌گری صنایع غذایی در ایالات متحده معتقد است که تسخیر نهاد تنظیم‌گر توسط بخش خصوصی منجر به آسیب به سلامت مردم آن کشور شده است (حسام‌پور، ۱۴۰۳). در مستند مذکور، فعالان صنعت به نهاد تنظیم‌گر به بهانه این که ساختار حکومتی کند و ناکارآمد است، انتقاد کرده و به سمت خودتنظیم‌گری و تنظیم‌گری صنعتی رفتند و در نتیجه نظارت یک نهاد تنظیم‌گر خصوصی با چرخش مالی چند صدهزار دلاری بر صنعتی که چرخش مالی چند میلیارد دلاری داشت، منجر به عبور غول صنعتی از روی ناظر شده و مشکلاتی ایجاد شد.

اگرچه واگذاری ضرورت‌های تنظیم‌گری به فعالان صنفی، زمینه تعارض منافع[۷] را ایجاد کرده و اصول مدنظر تنظیم‌گری را تضعیف می‌کند، اما خودتنظیم‌گری به عنوان مکمل تنظیم‌گر بیرونی مورد حمایت تنظیم‌گر نیز قرار گرفته است. امامیان برخی ابعاد رویکرد خودتنظیم‌گری را جزو ضرورت‌های آینده مدیریت و تنظیم‌گری رسانه دانسته است (امامیان، ۱۴۰۱).

تقابل خالص دیگر را می‌بایست در مخالفت‌های عملی صدا و سیما با سکوها دانست. مهم‌ترین دلایل رسانه ملی برای این مخالفت، تثبیت مرجعیت رسانه‌ای، امکان اعمال قدرت بر جریان غالب تولید و مصرف محتوای فرهنگی، حفظ کارکرد و بقای سازمان صدا و سیما چنان‌که پیش‌تر اشاره شد و هراس از رویارویی با پدیده‌های نوظهور است. «در ایران رسانه و فرهنگ حاکم بر آن مطابق مبانی قانون اساسی و سنت عملی، متعلق به بخش عمومی بوده و از لحاظ حقوقی و عملی جایگاهی برای رسانه بخش خصوصی وجود نداشته است. حاکمیت می‌خواست این پدیده را نادیده بگیرد و هم‌چنان دارنده قدرت برتر و انحصاری در حوزه رسانه محسوب شود و از سوی دیگر فعالان بخش خصوصی که غالباً از دنیای فناوری اطلاعات وارد این صنعت شده بودند، مایل نبودند مسئولیت رسانه شدن را بپذیرند. این اتفاق در کنار حساسیت‌های خاص جمهوری اسلامی در عرصه فرهنگ و رسانه باعث شده بود که وجود رسانه‌های بخش خصوصی عملاً بی‌معنا شود» (امامیان، ۱۴۰۱: ۱۴). تا پیش از ظهور سکوها، رسانه خصوصی توانمندی نیز در رقابت با رسانه ملی وجود نداشت، اما با گسترش فعالیت سکوها، مخالفت‌های صدا و سیما شدت گرفت.

آن‌چه از تقابل رسانه ملی و سکوها دریافت می‌شود، در سایهٔ یکسان‌انگاری صدا و سیما و تنظیم‌گر ساترا است سکوها معتقدند صدا و سیما خصوصاً در نخستین سال‌های فعالیت سکوها به بهانه‌های مختلف درصدد حذف و از میان بردن آنها به عنوان رقیب بوده است. چنان که به اعتقاد مدیر فیلم‌نت «سطح تقابل در سال‌های اولیه بر سر مشروعیت و اساس فعالیت سکو بوده است» (سرتیپی، ۱۴۰۳). قسمت عمده‌ای از مدیران صدا و سیما نیز هم‌چنان خود را در رقابت با سکوها می‌بینند و التفاتی به این که رقیب اصلی سیما، فضای رسانه‌ای تهاجمی و قدرتمند آمریکا است، ندارند (امامیان، ۱۴۰۱: ۲۳).

شاخص‌ترین اقدام رسانه ملی برای مقابله با سکوها را می‌توان نامه رئیس صدا و سیما به رئیس جمهور در سال ۱۴۰۱ و در پی انتشار بدون مجوز سریال سقوط دانست. جبلی در این نامه درخواست کرده است که خدمات دامنه اینترنتی سکوی فیلیمو مسدود شود و کلیهٔ آثار فاقد مجوز از ساترا در تمامی سکوها حذف شوند. در اقدامی دیگر ساترا پس از درخواست از سکوی فیلم‌نت برای کاهش زمان تبلیغات قبل از نمایش سریال‌ها و بی‌توجهی سکو، طی نامه‌ای از مرکز توسعه تجارت الکترونیک درخواست کرده است تا نماد تجارت الکترونیک این سکو را ابطال کرده و بدین‌ترتیب

درگاه پرداخت این شرکت به مدت بیست ساعت مسدود شد (توحیدی، ۱۴۰۱). اقدامات مذکور با واکنش‌هایی از سوی انجمن صنفی سکوها روبه‌رو شد که در آن سازمان صدا و سیما را متهم کردند که «در جلسات عمومی و در محضر مسئولان، از تعامل و همراهی برای توسعه می‌گویند و در خفا پیگیر محدودیت و تعطیلی‌اند» (انجمن صنفی VODها، ۱۴۰۱).

رسانه ملی مرجعیت رسانه‌ای خود در حوزه سرگرمی را از دو جهت آسیب‌پذیر می‌دانست. موضوع اول تفاوت در سازوکار ممیزی میان سکوها و نمایش خانگی است که دست سکوها را بازتر گذاشته است و موضوع دیگر گردش مالی سکوهاست که جذابیت بیشتری برای عوامل تولید فراهم می‌کند. این دو موضوع رسانه ملی را در رقابتی نابرابر با سکوها قرار داده است به گونه‌ای که صدا و سیما حیات رسانه‌ای خود را در خطر می‌بیند. با از دست رفتن مرجعیت رسانه ملی در حوزه سرگرمی، به مرور توانایی این نهاد حاکمیتی در جذب اعتبارات حاکمیتی و تبلیغات بازرگانی نیز کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر اگر نگرانی صدا و سیما در بازتولید ارزش‌های فرهنگی را امری حقیقی تصور کنیم، نباید نگرانی این نهاد از به خطر افتادن منافع سازمانی‌اش را نادیده بگیریم.

در موضوع معیارهای متفاوت ممیزی، رسانه ملی به دنبال ایجاد استاندارد ممیزی یکسان در رسانه ملی و سکوهاست (حسام‌پور، ۱۴۰۳) و مدیران سکوها خواستار استاندارد سهل‌گیرانه‌تری در سکوها هستند. مدیران سیما معتقدند این استاندارد متفاوت یک مزیت رقابتی به سکوها داده است که بر جذابیت ظاهری آثار آنها می‌افزاید. سکوها به صرف اعلام رده‌بندی سنی، صحنه‌های روابط نزدیک با جنس مخالف، استعمال مواد مخدر و دخانیات و مصرف مشروبات الکلی را نشان می‌دهند (امجدیان، ۱۴۰۰). حتی برخی از نمایندگان رسانه ملی معتقد بودند که باید معیارهای سخت‌گیرانه‌تری برای سکوها وضع گردد (سرتیپی، ۱۴۰۳).

سکوها معتقدند که ایجاد ممیزی یکسان در سکوها و رسانه ملی اشتباه است، چراکه آنها اقشاری از طبقه متوسط جامعه را جذب کرده‌اند که پیش از این مخاطب رسانه ملی و سینما نبوده‌اند و اعمال استاندارد واحد ممیزی باعث شبیه شدن محتوای سکوها به رسانه ملی و از دست رفتن این مخاطبان می‌گردد (سرتیپی، ۱۴۰۳).

از سوی دیگر در فقدان استانداردهای مشخص، سکوها با چانه‌زنی دامنه ممیزی را محدود می‌کنند. برخی تهیه‌کنندگان ابتدا به تولید آثار می‌پردازند و سپس برای از دست نرفتن سرمایه‌گذاری خود به چانه‌زنی و مذاکرات پشت صحنه با مدیران روی می‌آورند تا مجوز بگیرند و بعضاً موفق می‌شوند و پس از آن افراد دیگری با این استدلال که اثر دیگری با نمایش صحنه خلاف عرف، مجوز گرفته است، اقدام به تولید آثار جدیدی می‌کنند و تنظیم‌گر را اقناع می‌کنند که صحنه نمایش‌داده‌شده نسبت به اثری که مجوز گرفته است، وضعیت بهتری دارد (فرجی، ۱۴۰۳).

در موضوع گردش مالی سکوها چالش آن‌جاست که با حضور سکوها در بازار نمایش خانگی ایران، مبالغ کلان و پول‌های زیادی وارد این صنعت شد که به افزایش دستمزد عوامل تولید انجامید. این افزایش دستمزد ناگهانی در کنار محدودیت عوامل خبره تولید آثار نمایشی که از قضا بسیاری از آنها در رسانه ملی رشد کرده و شناخته شده بودند، باعث شد تا رسانه ملی از لحاظ تأمین مالی توان رقابت با سکوها را نداشته و با تنزل در کیفیت آثار روبه‌رو شود و کاهش کیفیت آثار به کاهش مخاطب بینجامد. «سکوها به جای آنکه روابط اقتصادی خود را در ارتباط مستقیم با مردم پایه‌گذاری کنند، سرمایه‌های مبهمی را جذب کرده و برخی بازیگرها دستمزدهای چند میلیاردی دارند و قراردادهای بلندمدتی با سکوها بسته‌اند که تنها در تولیدات آنها فعالیت کنند. این تولیدات حتی هزینه تولید خود را نیز جبران نکرده و انگیزه سرمایه‌گذاران آنها مشخص نیست.» (داوودی، ۱۴۰۳) علاوه‌بر تلویزیون این موضوع به تولید آثار سینمایی نیز آسیب زد.

بر اساس اطلاعات اندکی که از گردش مالی سکوها وجود دارد. کمترین هزینه ساخت هر قسمت از ارزان‌ترین سریال در سکوی نماوا، سه میلیارد تومان و برای برخی سریال‌ها تا هشت میلیارد تومان اعلام شده و تا سال ۱۴۰۳ بیش از دو هزار میلیارد تومان در سکوی نماوا هزینه شده است (شانه‌ساززاده، ۱۴۰۳). در صورتی که هزینه تولید هر قسمت یک سریال رده الف در رسانه ملی مابین دو الی دو و نیم میلیارد تومان برآورده شده است (قاسمیان، ۱۴۰۳). برخی بازیگران نیز به دلیل طولانی شدن پروژه‌ها و نوسانات قیمت در طول سال قرارداد خود با سکو را به صورت ارزی می‌بندند (سلطانی، ۱۴۰۳). رقابت نابرابر در گردش مالی از نوع مدل درآمدی دو رسانه نیز نشأت می‌گیرد. به استثنای حوزه تبلیغات، رسانه ملی با اتکای به بودجه دولتی اداره

شده و محتوا را به صورت رایگان پخش می‌کند، اما سکوها مدل‌های درآمدی متنوع‌تری دارند و با فروش اشتراک و همچنین سازوکار تسهیم درآمد ترافیک نیز درآمدزایی می‌کنند.

تقابل خالص دیگری که سکوها دنبال کرده‌اند، اثرگذاری بر نظام تصمیم‌گیری و قاعده‌گذاری نهاد تنظیم‌گر به منظور تسهیل و چابک‌سازی روندها و ایجاد حداقل اصطکاک در جریان مجوزدهی است. بر اثر مخالفت‌های رسانه‌ای، عملی و مذاکراتی که نمایندگان سکوها با برخی از مسئولان کشور انجام دادند، تنظیم‌گر کوشیده است تا حتی‌الامکان از ایجاد تقابل پرهیز کرده و قاعده‌گذاری خود را در مسیر تعاملی‌تری دنبال کند. این تعامل در دو عرصه شکل گرفته است: اول قوانین و آیین‌نامه‌هایی که توسط ساترا برای تصویب تهیه می‌شود، پیش از تصویب یا ابلاغ به سکوها عرضه می‌شود تا نظرات خود را ابراز کنند و جنبه دوم تعامل سکو با تنظیم‌گر در مجمع مشورتی «رصتا» است. در این شورا، نمایندگان سکوها حضور پیدا کرده و بازخوردهای خود را نسبت به قوانین و مقررات و رویه‌ها ابراز می‌کنند و ساترا این نظرات را به مرکز ملی فضای مجازی ارسال کرده تا به قانون تبدیل شود و به این ترتیب سکوها در فرایند قانون‌گذاری خود دخیل هستند (مقیسه، ۱۴۰۳). سکوها نیز معتقدند ساترا به انحاء مختلف کوشیده است تا آنها را در مسیر قانون‌گذاری و ترسیم چشم‌اندازها با خود همراه کند.

شیوه تعاملی که ساترا دنبال کرده است با علم به ضعف پشتوانه‌های حاکمیتی خود و ظرفیت مذاکره سکوها با نهادها و چهره‌های برجسته حاکمیتی است. «سکوها در دولت سیزدهم، از حمایت وزارت ارشاد و معاون اول رئیس‌جمهور در مقابل صدا و سیما برخوردار بودند و این حمایت به علت جلسات توجیهی بوده است که سکوها با مسئولین بلندپایه نظام برگزار کرده‌اند» (سرتیپی، ۱۴۰۳). ساترا یک مسیر تدریجی را برای تثبیت و جایابی خود در نظام اداری دنبال کرده است و پی گرفتن شیوه تعاملی با سکوها راهبردی برای کاهش تنش و تثبیت هویت این نهاد بوده است.

بنابر نظریهٔ کوزر اگر تقابل خالص سکوها و تنظیم‌گر را معطوف به اصل و شدت تنظیم‌گری از سوی سکو، به رفتار درآوردن سکو از جانب تنظیم‌گر و رقابت سکو با رسانه ملی بدانیم، تقابل‌های ناخالص میان سکو و نهاد تنظیم‌گر به نگرش‌های اجتماعی و سیاسی بازمی‌گردد که سکو را فراتر از یک بنگاه اقتصادی تحلیل می‌کنند. برای مثال، موضوع حائز اهمیت در نامه رئیس صدا و سیما به رئیس جمهور، بازیگری حمید فرخ‌نژاد در سریال سقوط بود. در متن نامه، این بازیگر و سایرینی که در ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ مواضع تندی علیه نظام گرفته و جشنواره فجر را تحریم کرده بودند، با اتکا به دستمزدهای قابل توجه و فرصت‌هایی که سکوها در اختیار آنها قرار داده بودند به حیات سیاسی خود ادامه می‌دادند. نقطه کانونی اعتراض در این فقره نه عدول از معیارهای ممیزی که نفس فعالیت برخی چهره‌ها در نمایش خانگی است و بدین‌ترتیب باید دغدغه مذکور را نه دغدغه فرهنگی که بیشتر دغدغه‌ای سیاسی قلمداد کرد.

از سوی دیگر رئیس شورای انتشار حرفه‌ای ساترا، سکوها را بستر مناسبی برای پولشویی می‌داند به این معنا که افرادی از سکوها برای جابجایی پول بهره می‌برند. او تمایل برخی شرکت‌های نفتی، مخابراتی و تولیدات غذایی برای ورود به صنعت نمایش خانگی را نیز به همین دلیل می‌داند (پورمحمدی، ۱۴۰۳). اگرچه طرح ادعای پولشویی از سوی منتقدان غالباً با ارجاع به پرونده قضایی مرتبط با سریال شهرزاد و اختلاس از صندوق ذخیره فرهنگیان صورت می‌گیرد، اما لزوماً قابل تعمیم به فعالیت سکوها نبوده و شواهدی نیز در این زمینه وجود ندارد. به علاوه حاکمیت ایران قواعد محدودکننده‌ای به منظور مدیریت بر میزان و نوع قراردادهای سکوها اعمال نکرده است و نظارت‌های مالی بر این حوزه توسط دستگاه‌هایی غیر از ساترا صورت می‌گیرد. «سازوکار درآمدزایی سکوها مشخص است و تولید آثار با هزینه اشتراک و تبلیغات تأمین می‌شود. اگرچه ممکن است همه تولیدات یک سال سودآور نباشند، اما تولید برخی آثار کیفی این موضوع را جبران می‌کند» (شکوری مقدم، ۱۴۰۲).

همچنین در جریان ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ ادعاهایی در ارتباط با کنشگری همه سکوهای فناورانه از جمله سکوهای نمایش خانگی در هنجارشکنی مطرح شد. مسائلی از قبیل توییت تسلیت سکوی فیلیمو در اشاره به حادثه فوت مهسا امینی و البته پخش سریال‌های خاتون و شبکه مخفی زنان با محوریت موضوع زنان در سکوی نماوا این ادعاها را تقویت کرد. آنچه مشخص است تاکنون شواهد روشنی برای قصد و نیت سکوها برای کنشگری سیاسی ارائه نشده است و ادعاهای مذکور می‌تواند بیش از آن که برآمده از نیت آگاهانه صاحبان سکوها باشد، به ماهیت اقتصادی سکوها و فضای گفتمانی اهالی رسانه بازگردد. موج خشونت‌آمیز طرد و تحریم چهره‌ها و کسب و کارهایی که در حوادث آن

سال از سوی مخالفان دنبال می‌شد، سکوها را وادار به اتخاذ مواضع محافظه‌کارانه می‌کرد. استناد به تولید و پخش آثار مرتبط با موضوع زنان و با ماهیت فمینیستی با علم به این که چنین آثاری از مدت‌ها قبل با مجوز نهاد تنظیم‌گر تهیه و تولید شده بودند، قابل پذیرش نیست. به این ترتیب می‌توان ادعاهایی اعم از پولشویی، تلاش برای کودتا یا گذار فرهنگی و کنشگری سیاسی که به سکوها انتساب می‌دهند را ذیل مفهوم تقابل‌های ناخالص تحلیل کرد.

به نظر می‌آید قوه عاقله حاکمیت در مجموع قدرت تمایز میان تقابل‌های خالص و ناخالص را داشته و سیاست‌گذاری این حوزه تحت تأثیر تقابل‌های ناخالص قرار نگرفته است، چراکه در این صورت سکوها با وجود اتهاماتی نظیر اخلال هدفمند در فرهنگ عمومی و سیاسی تحت پیگرد نهادهای امنیتی قرار می‌گرفتند. از کارکرد تقابل‌های خالص طرح‌شده می‌توان به پذیرش دیدگاه‌های منصفانه سکو از جانب تنظیم‌گر نظیر خودتنظیم‌گری محدود و مشارکت در تدوین مقررات و پذیرش دغدغه‌های تنظیم‌گر از جانب سکو نظیر همکاری در فرایند اخذ مجوز و تلاش برای یافتن مسیر میانه اشاره کرد. تلاش‌های حاکمیت برای رفع اختلافات قانونی تنظیم‌گر از یک سو و بی‌پاسخ گذاشتن مطالبه رسانه ملی در وضع محدودیت برای سکوها و تعطیلی آنها از سوی دیگر، نشانه توجه حاکمیت به حل و فصل تقابل‌های خالص و نادیده گرفتن تقابل‌های ناخالص بوده است.

۳. تأثیر و کارکرد تقابل در ساختار گروهی

کوزر در این نظریه اختلاف آرا در لایه‌های فوقانی و میانی جامعه را واجد کارکردی سودآور می‌داند، زیرا مبارزه‌هایی که در این لایه‌ها به وقوع می‌پیوندند، ریشه در وحدت گروهی دارند. تضارب آرا با توجه به موضوعات سطحی باعث تأیید و شدت بخشیدن به اتحادی است که خود از زندگی اجتماعی به وجود آمده است. هر چه وابستگی متقابل گروهی وسیع‌تر باشد به همان نسبت توجه به پرسش‌هایی که متضمن نفع نسبی باشند، دقیق‌تر خواهند گردید. او همچنین ثبات درونی یک جامعه غیرمستحکم را نتیجهٔ تداوم در بروز تقابل‌های مختلف می‌داند (کوزر، ۱۳۸۴).

مطابق نظریه کوزر در تقابل میان سکوها و نهاد تنظیم‌گر باید به شناخت صحیحی از لایه بنیادین دست یافت که مبنای وحدت گروهی جامعه را شکل می‌دهد. این لایه، اشتراک نظری و اجماع بر سر اصول مصرف فرهنگی و حکمرانی رسانه‌ای در ایران است. منفعت بنیادین جامعه ایران، تنظیم‌گر و اهالی رسانه وجود یک صنعت رسانه‌ای مستقل و تولید و مصرف محتوای بومی است که به بازتولید و ترویج ارزش‌ها، نظام معانی و مسائل داخلی بپردازد.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مشترک کشورها در حوزه سکوهای ویدئو درخواستی، حاکمیت بلامنازع سکوهای آمریکایی نظیر نتفلیکس است که به کاهش چشمگیر مصرف محتوای بومی و تبعات فرهنگی و اجتماعی آن منجر گشته است. برای مثال تنظیم‌گران اروپایی به منظور مقابله، سیاست‌هایی نظیر تعیین سهمیه محتوای بومی، الزام به تأسیس دفاتر محلی و ایجاد مزایای رقابتی برای تولیدکنندگان داخلی را دنبال کرده‌اند (امامیان، ۱۴۰۲). لازم‌به‌ذکر است گرچه ابررسانه‌های فراملی نظیر نتفلیکس حضور رسمی در ایران ندارند، اما محتوای تولیدی آنها به اشکال مختلف در اختیار شهروند ایرانی قرار می‌گیرد. پیش از ظهور و فراگیری سکوهای ایرانی، حکمرانی رسانه‌ای ایران غالباً از مسیر ماهواره و با رشد دسترسی به اینترنت، از مسیر شبکه تهدید می‌شد، اما با ظهور سکوها ظرفیت جدیدی در کنار رسانه ملی ایجاد شد تا به تقویت عرضه محتوای بومی کمک کند. سکوها موفق شدند تماشای ماهواره در ایران را کاهش دهند. بر اساس یک نظرسنجی در سال ۱۴۰۰، ۱۴/۴ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که بعد از استفاده از سکوها، کاملاً ماهواره را کنار گذاشته‌اند و از میان تماشاگران ماهواره نیز، پس از استفاده از سکوها متوسط زمان تماشای ماهواره از ۸ ساعت به کمتر از ۵ ساعت در هفته کاهش یافته است (ایسپا، ۱۴۰۰).

مدیران ساترا نیز کاهش اقبال به ماهواره در سایه رشد سکوها را به مثابه یک فرصت ویژه درک کرده‌اند. «ظهور سکوها خلأ دسترسی به محتوای سرگرم‌کننده و در عین حال اخلاقی و متناسب با سبک زندگی مردم ایران را برطرف کرده و حتی برخی از مردم سریال‌های ساخته‌شده توسط سکوها را در ماهواره تماشا می‌کنند که از حیث گردش محتوا ارزشمند است» (خیامی، ۱۴۰۲). وجود جریان تولید و مصرف محتوای بومی، منجر به کاهش اقبال به محتوای خارجی نیز شده است. «علی‌رغم آن که بروزترین آثار نمایشی خارجی در آرشیو سکوها وجود دارد، اما تمایل به محتوای خارجی حدود پانزده درصد و تمایل به سریال‌های ساخته‌شده توسط سکو بیش از هشتاد درصد است» (سرتیپی، ۱۴۰۲).

سکوهای ویدئو درخواستی در ایران ماهیت سود محور صرف نداشته و در شأن یک رسانه محتوای عمومی نیز

ظاهر شده‌اند. «رسانه محتوای عمومی حافظ هویت، زبان و فرهنگ ملی است و با تقویت همبستگی اجتماعی از قطبی شدن جامعه و انحصار رسانه‌ای ابررسانه‌های جهانی جلوگیری می‌کند» (امامیان، ۱۴۰۲: ۳۴). برای مثال آثار مستند گفت‌وگومحوری[۸] نظیر برنامه‌های «اکنون» و «سپنج» در لایهٔ نخبگانی و «پیشگو» و «همرفیق» در سطح عموم مردم را می‌توان برنامه‌هایی برای تولید همبستگی اجتماعی و بازتولید هویت و فرهنگ ملی در سکوها دانست. عرضه برخی آثار نمایشی نظیر «افعی تهران» و «در انتهای شب» نیز به «ایجاد گفت‌وگوهای اجتماعی و روان‌شناسی منجر شد که در واکاوی سبک زندگی طبقه متوسط، مسئله کودک‌آزاری و یا عادی‌سازی مراجعه افراد به روان‌شناس به عنوان مسائلی بومی اثرگذار بود» (سرتیپی، ۱۴۰۲).

به علاوه سکوها فرصت‌هایی را در اختیار فضای رسانه‌ای کشور قرار دادند و در مدیریت بحران‌های ملی و بین‌المللی نقش‌آفرینی کردند. «در زمان شهادت سردار سلیمانی و در شرایطی که اینستاگرام پست‌های مربوط به شهید را حذف می‌کرد، سکوها به هزینه خودشان محتواهایی تولید کردند که میلیون‌ها دقیقه دیده شد و یا در دوران کرونا نقش مهمی در آموزش‌های بهداشتی، جلوگیری از ترس عمومی و جلوگیری از افسردگی و شاد کردن مردم بر عهده داشتند، در حالی که شبکه‌های ماهواره‌ای در آن شرایط با انتشار اخبار جعلی به دنبال القای ترس و اضطراب در جامعه بودند» (امامیان، ۱۴۰۲: ۶۰).

مطابق نظریه کوزر، تقابل سکوها و نهاد تنظیم‌گر نه در لایهٔ بنیادین که بازتولید ارزش‌های ملی و دینی است، بلکه به لایه‌های فوقانی و میانی که تفاوت در چگونگی تنظیم‌گری است بازمی‌گردد . این دسته از تقابل‌ها تقویت‌کننده لایه بنیادین هستند و با ایجاد سیالیت، حیات در این لایه، مجموعه زندگی اجتماعی را تداوم می‌بخشند.

جدول ۲. آثار کارکردی تقابل سکوهای ویدئوی درخواستی و تنظیم‌گر (برگرفته از متن مقاله)

نظریهٔ کوزر	محل تقابل	نتیجه کارکردی
کارکرد استحکام‌بخشی گروهی تقابل	ـ بهره‌گیری سکوها از شکاف تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر بین دستگاه‌های حاکمیتی ـ طرح مسئله رقابت تنظیم‌گر (رسانه ملی) از سوی سکوها ـ تولید و انتشار بدون مجوز آثار از سوی سکوها	تلاش حاکمیت برای تحکیم مبانی قانونی تنظیم‌گر و تفویض تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به صدا و سیما
تقابل خالص و ناخالص	**تقابل‌های خالص:** ـ تلاش سکوها برای کاهش یا حذف ممیزی و سایر مداخلات آمرانه تنظیم‌گر با طرح ایده خودتنظیم‌گری، تضعیف با زیر سؤال بردن مشروعیت قانونی تنظیم‌گر، مذاکره با مقامات کشور و اثرگذاری بر قوانین و ساختارهای تنظیم‌گری با چانه‌زنی ـ تلاش‌های رسانه ملی برای انسداد دامنه سکوها، بستن درگاه پرداخت سکو، ممانعت از تبلیغات سکوها در رسانه ملی و لغو مجوزها **تقابل‌های ناخالص:** ـ تحریم بازیگران و عوامل تولید فعال در حوادث سال ۱۴۰۱ ـ جریان‌سازی و ذائقه‌سازی فرهنگی سکوها خصوصاً تولید و پخش آثار فمینیستی در بزنگاه حوادث سال ۱۴۰۱ ـ ادعای کودتای نرم و کودتای فرهنگی سکوها ـ ادعای پولشویی سکوها	عدم ضریب دادن به حاکمیت به تقابل‌های ناخالص و در مقابل تلاش برای میانجیگری مابین سکوها و تنظیم‌گر با پرداختن به تقابل‌های خالص که مستقیماً به موضوع تنظیم‌گری مرتبط بود.
تقابل سازنده و نگهدارنده تعادل قوا	ـ تقابل‌های ذکرشده	ارزیابی سکو و تنظیم‌گر از سطح قدرت و محدودیت‌های طرف مقابل که در عمل به موضع معتدل همکاری سکو و تنظیم‌گر انجامید.
تأثیر و کارکرد تقابل در ساختار گروهی	ـ تقابل‌های ذکرشده	اعلام موضع صریح سکوها و تنظیم‌گر در اشتراک بنیادین از حیث مقابله با ماهواره و سلطه سکوهای آمریکایی، بازتولید و حفظ فرهنگ، هویت، زبان و ارزش‌های بومی

DOI: 10.22034/RCC.2025.2060577.1216

نتیجه‌گیری

نظریۀ تقابل‌های اجتماعی لوئیس کوزر از مهم‌ترین نظریات تقابل در جامعه‌شناسی است که به مطالعه وجوه کارکردی تقابل در گروه‌های اجتماعی می‌پردازد. کوزر تقابل اجتماعی را عهده‌دار کارکردهای مشخصی در روابط میان گروهی و از اشکال جامعه‌پذیری می‌داند و با بهره‌گیری از نظریۀ او می‌توان به مطالعۀ روابط میان گروه‌ها پرداخت و تأثیر روابط تقابلی را بر ساخت و شیوۀ عمل گروه‌ها ارزیابی کرد.

در این پژوهش با روش تحقیق اسنادی به بررسی روابط تقابلی میان سکوهای ویدئوی درخواستی و تنظیم‌گر در ایران پرداختیم. یافته‌های پژوهش که به صورت خلاصه در «جدول ۲» ذکر شده است، نشان می‌دهد اقدامات تقابلی سکوها نظیر زیر سؤال بردن مشروعیت قانونی تنظیم‌گر، طرح موضوع رقابت تنظیم‌گر با سکو و چالش تعارض منافع و تولید و انتشار بدون مجوز آثار ناشی از شکاف به وجود آمده در حکمرانی در تعیین حدود تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر میان نهادهای مختلف بوده است که بر اثر این تقابل، حاکمیت به تحکیم مبانی قانونی تنظیم‌گر ساترا در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و رفع اختلافات درونی با وزارت ارشاد پرداخت.

در نظریۀ تقابل‌های خالص و ناخالص، سکوها با طرح ایده‌هایی نظیر خود تنظیم‌گری و مسئله رقابت کوشیدند تا در برابر شکل‌گیری تنظیم‌گر مؤثر بایستند و صدا و سیما و تنظیم‌گر نیز در احقاق خیر عمومی و البته حفظ منافع آشکار و پنهان خود برای تداوم انحصار رسانه‌ای به تقابل با سکوها با بهره‌گیری از ابزارهای مجوز، ممیزی، بستن درگاه پرداخت و توقیف آثار مبادرت کرد و در نهایت می‌توان از خروجی اقدامات حاکمیت در این تقابل و نوع میانجیگری آن دریافت که سیاست‌گذار به تقابل‌های خالص توجه کرده و تقابل‌های ناخالصی نظیر ادعاهای کودتای فرهنگی، سکو به عنوان زیرساخت پولشویی و عاملیت سکوها در آشوب‌های اجتماعی را مبنای عمل خود قرار نداده است و در نتیجه سکوها به فعالیت رو به رشد خود ادامه داده و تنظیم‌گر نیز در جایگاه اعمال اقتدار بهتری نسبت به گذشته قرار گرفت. در اینجا با اشاره به نظریۀ پانزدهم کوزر مشخص گشت که چگونه اقدامات تقابلی سکوها و تنظیم‌گر تصویر صحیحی از دامنه نفوذ و اقتدار محدود و نه فائق هر یک از طرفین در دیگری ایجاد کرد که به تعادل قدرت میان این دو انجامید.

در نظریۀ تأثیر و کارکرد تقابل در ساختار گروهی، علی‌رغم وجود اختلاف در لایه رویین، سکوها و نهاد تنظیم‌گر در لایۀ بنیادین تولید و مصرف محتوای فرهنگی بومی که با ارزش‌های دینی و اخلاقی ایرانیان متناسب بوده و به بازتولید فرهنگ، زبان و اندیشه ایرانی می‌انجامد، اشتراک نظر و عمل دارند. فعالیت سکوها در ایران از این حیث که به کاهش مصرف محتوای ماهواره‌ها، سکوهای مسلط آمریکایی و شبکه‌های اجتماعی بیگانه می‌انجامد، مورد تأیید و حمایت تنظیم‌گر نیز هست و وجود تقابل در لایه رویین را می‌توان به گفت‌وگوی نقادانه‌ای در جهت تحکیم حکمرانی رسانه‌ای ملی دانست. آثار کارکردی تقابل میان سکوهای ویدئوی درخواستی و تنظیم‌گر در ایران، در حال ایجاد بلوغ و مسیری تکاملی برای عصر جدید تولید و مصرف محتوای فرهنگی با محوریت فعالیت بخش خصوصی است.

راهبردها و پیشنهادها

تنظیم‌گری کارآمد سکوهای ویدئوی درخواستی به نحوی که علاوه‌بر رعایت حقوق مصرف‌کنندگان و ترویج محتوای بومی، به توسعه بازار رسانه‌های خصوصی نیز بینجامد، ضرورتی انکارناپذیر در حکمرانی رسانه‌ای است که نیل به آن در گروی کاهش تنش و شکل‌دهی به یک تعامل سازنده میان تنظیم‌گر و سکوهاست. به همین منظور توجه به راهبردهای زیر ضروری می‌باشد:

۱. ارتقای ادراک عمومی و سیاست‌گذاران نسبت به مفهوم تنظیم‌گری از ممیزی و نظارت به تسهیل‌گری و حمایت‌گری به وسیله تولید ادبیات و اقدامات ترویجی؛

۲. گذار تنظیم‌گر از ساختار ممیزی موردمحور به ممیزی چهارچوب محور و خودتنظیم‌گری سکو در معنای محدود ؛

۳. توسعه نظام پاداش‌محور در مقابل نظام تنبیه‌محور برای به رفتار درآوردن سکوها توسط تنظیم‌گر (با مشوق‌هایی نظیر جواز تبلیغ در رسانه ملی، خرید آثار و...)؛

۴. طراحی مشوق به منظور همسو ساختن رسانه‌های خصوصی متناسب با اهداف رسانۀ محتوای عمومی با اعطای بخشی از بودجه و اختیارات رسانه ملی به سکوها؛

۵. وحدت نظری و انسجام عمل حاکمیت در تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر؛

۶. ایجاد نظامات همکاری مشترک در تولید آثار نمایشی و غیرنمایشی میان سکو و رسانه ملی توسط تنظیم‌گر.

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور از عبارت «پخش بلادرنگ»، بخش برخط محتوا به گونه‌ای است که فاصله زمانی میان بارگیری محتوا از شبکه و نمایش آن وجود ندارد.

2. forum shopping

3. Common good

۴. بخشنامه شماره ۹۰۰/۱۷۸۴۳۹/۱۰۰ مورخ ۲۸ دی‌ماه ۱۳۹۸

5. Self-Regulation

6. Co-Regulation

7. Conflict of Interests

8. Talk show

فهرست منابع

الف: کتاب‌ها

امامیان، سید محمدصادق (۱۴۰۱)، *تنظیمانه (یادداشت‌هایی در تنظیم‌گری رسانه)*، تهران: اندیشکده حکمرانی شریف.

بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، *آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)*، تهران: مؤسسهٔ نگاه معاصر.

بشیریه، حسین (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)*، تهران: نشر نی.

بهرامی، نازنین (۱۴۰۰)، *جعبهٔ جادویی بخش خصوصی (جامعه‌شناسی سریال‌سازی شبکهٔ نمایش خانگی)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

ریتزر، جورج (۲۰۱۱)، *نظریهٔ جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.

کوزر، لوئیس آلفرد (۱۳۸۴)، *نظریهٔ تقابل‌های اجتماعی*، عبدالرضا نواح، اهواز: نشر رسش.

سرنیچک، نیک (۲۰۱۶)، *سرمایه‌داری پلتفرمی*، ترجمه مجید سلیمانی ساسانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ب: مقالات، گزارش‌ها و مصاحبه‌ها

اسماعیلیان، ملیحه، و امیر ناظمی (۱۳۹۷)، ارائه الگویی برای نهاد تنظیم‌گر رسانه‌های نوین صوتی تصویری بر پایه روش تصمیم‌گیری پابرجا، فصلنامه *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی* ۲۶ (۸)، ۱۱۹-۱۳۶.

الیاسی، حسین و زینب قاسمی اصل (۱۴۰۱)، بررسی مفهوم تقابل و غیریت در قصیده خفقة الذری بر اساس نظریه تقابلی لوئیس کوزر، *پژوهشنامه نقد ادب عربی* ۲۵، ۳۲۱-۳۴۹.

امجدیان، کیوان (۱۴۰۰)، نشست نقد هنر و رسانه ۸، *مرکز مطالعات راهبردی ژرفا*، دسترسی در ۱۴۰۰/۰۶/۳۰، https://www.aparat.com/v/h17v1ik.

انجمن صنفی VODها (۱۴۰۱)، نامه سرگشاده انجمن صنفی وی‌اودی‌ها به رئیس صداوسیما/ اعتراض به درخواست فیلتر کردن یک پلتفرم، *انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدیویی برخط*، دسترسی در ۱۴۰۱/۱۱/۰۸، https://iranonlinevideo.com/xlg92.

ایسپا (۱۴۰۰)، طبق نظرسنجی ایسپا از کاربران پلتفرم فیلیمو، تماشای ماهواره بعد از عضویت کاربران در فیلیمو کاهش یافته است، *مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران*، دسترسی در ۱۴۰۰/۰۷/۰۳، https://www.ispa. ir/Default/Details/fa/2336.

پورمحمدی، علی اصغر (۱۴۰۳)، جهت‌دهی محتوایی به شبکه نمایش خانگی، *مرکز مطالعات راهبردی ژرفا*، دسترسی در ۱۴۰۳/۰۷/۰۴، https:// www.aparat.com/v/ahthq08.

توحیدی، بهناز (۱۴۰۱)، استفاده بدون قانون از ابزارهایی برای فشار به کسب‌وکارها، نارواست، *هفته‌نامه کارنگی*، دسترسی در ۱۴۰۱/۱۰/۲۷، https:// karangweekly. ir/dh74.

حسام‌پور، محمد (۱۴۰۳)، نشست تخصصی تنظیم‌گری در ساترا، مبانی و راهبردها، *مرکز مطالعات راهبردی ژرفا*، دسترسی در ۱۴۰۳/۰۷/۰۴، https:// www.aparat.com/v/aesgpy7.

خلعتبری، محمدحسین (۱۴۰۲)، نشست تخصصی ساترا در دوگانه فرهنگ و بازار، *مرکز مطالعات راهبردی ژرفا*، دسترسی در ۱۴۰۲/۱۰/۰۶، https:// www.aparat.com/v/Jf4Mz.

خیالی خطیبی، احمد (۱۳۹۸)، بررسی تقابل‌های اجتماعی در برخی اشعار حافظ، *دوفصلنامه علمی و تخصصی زبان و ادبیات فارسی شفای دل* ۲ (۴): ۱۰۷-۱۲۲.

خیامی، عبدالکریم؛ محمد صادق علیزاده (۱۴۰۲)، نشست شبکه نمایش خانگی تنظیم‌گری یا تعطیلی، *روزنامه ایران*، دسترسی در ۱۴۰۲/۱۰/۲۱، https://irannewspaper. ir/sp-310/24/80076.

خیامی، عبدالکریم (۱۴۰۲)، مروری بر اندیشه‌های تنظیم‌گری در فضای مجازی، *مرکز مطالعات راهبردی ژرفا*، دسترسی در ۱۴۰۲/۱۰/۲۰، https:// www.aparat.com/v/mAeLd.

داوودی، ابوالحسن (۱۴۰۳)، انتقاد تند کارگردان مطرح سینما از پلتفرم‌های خانگی، *خبرگزاری مهر*، دسترسی در ۱۴۰۳/۱۰/۰۴، https://mehrnews.com/x36MCW.

رزمجو، محمد؛ هرمزی‌زاده، محمدعلی؛ نصرالهی؛ محمدصادق (۱۴۰۲)، شناسایی چالش‌های سیاست‌گذاری ساترا در زمینه مجوزدهی به رسانه‌ها، نشریه *مطالعات رسانه‌ای* ۶۱، ۵۱-۷۴.

زرودی، علی (۱۴۰۲)، معمای سیاست‌گذاری VOD در ایران، مجله *برخط زاویه*، دسترسی در ۱۴۰۲/۰۸/۰۳، https://zaviehmag.ir/?p=14827.

سرتیپی، علی (۱۴۰۲)، ناظر پلتفرم‌ها نباید رقیب آنها باشد، ماهنامه *پیوست*، دسترسی در ۱۴۰۲/۰۴/۱۱، https://peivast.com/p/167285.

سرتیپی، علی (۱۴۰۳)، مصاحبه فریدون جیرانی با علی سرتیپی، *برنامه سی و پنج میلیمتری*، فصل اول، قسمت نهم، دسترسی در ۱۴۰۳/۰۶/۲۵.

سلطانی، محمدحسین (۱۴۰۳)، بازار بازیگر حباب دارد، *روزنامه فرهیختگان*، دسترسی در ۱۴۰۳/۱۰/۰۹، https://farhikhtegandaily.com/page/261688/.

شانه‌ساززاده، محمدحسین (۱۴۰۳)، مصاحبه دیجیاتو با رئیس هیئت مدیره گروه شاتل، *پایگاه خبری دیجیاتو*، دسترسی در ۱۴۰۳/۰۲/۰۲، https://www.aparat.com/v/b149h9j.

شکوری مقدم، محمدجواد (۱۴۰۲)، باید بپذیریم فضای تولید محتوا در کشور تغییر کرده است، *نشریه پیوست*، شماره ۱۱۳، تیر ۱۴۰۲.

صیادانی، علی، پرویز احمدزاده هوچ و عاطفه رحمانی (۱۴۰۱)، خوانش جامعه‌شناختی از نامه‌های امام علی (ع) به معاویه بر اساس نظریه تقابل‌های اجتماعی لوئیس کوزر، *نشریه پژوهش‌نامه علوی* ۱۳ (۲)، ۲۷۳-۲۹۴.

عسگرپور، محمدمهدی (۱۴۰۳)، نشست تخصصی به کسی مربوط نیست، *انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدیویی برخط*، دسترسی در ۱۴۰۳/۱۰/۲۱، https://iranonlinevideo.com/jeitt.

فرجی، مهدی (۱۴۰۳)، بررسی حال و آینده نمایش خانگی در ایران، *مرکز مطالعات راهبردی ژرفا*، دسترسی در ۱۴۰۳/۰۷/۰۴، https://www.aparat.com/v/vvut2vt.

قاسمی، میثم (۱۴۰۲)، آشوب، تولید تصویری را VODها زمین نبرد کردند، *نشریه پیوست*، شماره ۱۱۳، تیر ۱۴۰۲.

قاسمیان، مصطفی (۱۴۰۳)، کف سریال‌سازی تلویزیون قسمتی ۲ میلیاردا!، *روزنامه فرهیختگان*، دسترسی در ۱۴۰۳/۰۲/۱۶، https://farhikhtegan-daily.com/page/251460/.

محسنیان، سید علی (۱۴۰۰)، نشست ظرفیت‌های حقوقی مجلس در مواجهه با معضلات فضای مجازی، نشست تخصصی کارشناسی شماره ۴۴۸ *مرکز مطالعات راهبردی ژرفا*، دسترسی در ۱۴۰۰/۰۷/۲۷، https://www.aparat.com/v/o147aq5.

محسنیان، سید علی و مرتضی قاسم‌زاده (۱۴۰۲)، بررسی ابعاد مسئله تنظیم‌گری خدمات رسانه‌ای صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی و ارائه پیش‌نویس قانونی، تهران، *مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، ۱-۳۲.

مقیسه، سعید (۱۴۰۳)، ساترا چطور نظارت می‌کند؟، *روزنامه فرهیختگان*، دسترسی در ۱۴۰۳/۰۸/۲۰، https://farhikhtegandaily.com/page/259414/.

هاشمی، سید محمد (۱۴۰۳)، جامعه هنری دوست داشت تنظیم‌گری شبکه نمایش خانگی با ارشاد باشد، *روزنامه فرهیختگان*، دسترسی در ۱۴۰۳/۰۴/۰۳، https://farhikhtegandaily.com/page/254492/.

ج: منابع لاتین

Britannica, T. Editors of Encyclopedia (2024, December 9). Video-on-demand. Encyclopedia Britannica. https://www.britannica.com/technology/video-on-demand

Coser, Lewis A. (2005). The Functions of Social Conflict, Translated by Abdolreza Navvah, Tehran: Rasesh Publication (Original work published 1956). (Text in Persian)

Coser, Lewis A. 1957. "Social conflict and the theory of social change." The British Journal of Sociology 8 (3): 197-207

Ritzer, George. (2011). Sociology theory, Translated by hooshang nayebi, Tehran: Ney Publication (Original work published 1988). (Text in Persian)

Smith, Clagett G. (1966). A comparative analysis of some conditions and consequences of interorganizational conflict. Administrative Science Quarterly. Vol 10. No 4

Srnicek, Nick. (2016). Platform Capitalism, Translated by Majid Soleimani Sasani, Tehran: Amirkabir Publication (Original work published 2016). (Text in Persian)